

غزل شماره ۳۳۶

مژده وصل تو کوکز سرجان بر خیزم
طایر قدسم و از دام جهان بر خیزم

به ولای تو که گربنده خویشم خوانی
از سر خواجگی کون و کان بر خیزم

یارب از ابر هدایت برسان بادانی
پیشتر زان که چو گردی زمین بر خیزم

بر سر تربت من بامی و مُطرب بشین
تابه بویت ز محدرقص کُنان بر خیزم

خیز و بالا بنا ای بت شیرین حرکات
کز سر جان و جهان دست قُتان بر خیزم

کرچه پیرم تو شبی تنگ در آغوشم کش
تا سحر که ز کنار تو جوان بر خیزم

روز مرگم نفسی مهلت دیدار بده
تا چو حافظ ز سر جان و جهان بر خیزم

تفسیر فال

به خاطر ایمان قوی و تقوای مثال‌زدنی، تو در زمره‌ی بندگان مقرب الهی قرار داری. اراده کنی، خداوند به تو هر آنچه که بخواهی عطا خواهد کرد، اما با وجود این توانایی‌های عظیم، همواره دیگران را بر خود مقدم دانسته‌ای و در دعاهایت از درگاه خداوند برای آنها طلب رحمت و مغفرت می‌کنی. تنها درخواست تو از خداوند این است که بهشت را نصیب تو گرداند تا بتوانی در آرامش ابدی زندگی کنی. با این رویکرد نیکو و خالصانه، یقیناً به آرزوهایت دست خواهی یافت؛ هم در این دنیا با نعمت‌ها و برکات متعددی که از جانب او می‌رسد، و هم در جهان آخرت با ورود به سرای جاودانگی و سعادت ابدی.

به کوشش : [پارسی‌دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)